۷

علم مفاهیم شناسی در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد هفتم – حرف چ

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد هفتم – حرف چ/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴ آ/۵

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱–قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف، فایده،

پیش انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعد آن آشنا می سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲-اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شودمقدمه تفسیرخواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می باشد . زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که دردورهای مختلف شامل کلام های مقدس(کتابهای آسمانی) نیز شده است . زبان شناسی شامل: زبان شناسی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختاری ؛ سبک شناسی ؛ تجویز و توصیف ؛ کاربردشناسی ؛ زبانشناسی کاربردی ؛ اکتساب زبان ؛ زبان شناسی روان شناختی ؛ زبان شناسی جامعه شناختی ؛ زبان شناسی شناختی ؛ جامعه شناسی زبان ؛ زبان شناسی محاسباتی؛ زبان شناسی توصیفی ؛ زبان شناسی تاریخی ؛ زبان شناسی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک ومتودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه مراکز

قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را درمنظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹-البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

درکل قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰–ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوة) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَکُمْ وَلَا تَکُونُوا أَوَّلَ کَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآیَاتِی ثَمَناً قَلِیلًا وَإِیَّایَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

-

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات وبینات است

و از مقامـات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقـدس جامع من خوطب به از اسـرار آن کسـی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقـدس و به تعلیم او خلص اولیـای عظام دریافت آن نموده انـد و به برکت مجاهـدات و ریاضـتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قـدر اسـتعداد و مراتب سـیر بهره منـد شـده انـد و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعـد از نزول از مراحـل و مراتب ، بی کم و کـاست و بـدون یـک حرف کم وزیـاد به دست مـا افتاده است ، خـدای نخواسـته مباد که مهجور شود و گر چه ابعـاد مختلفه آن و در هر بعـد مراحـل و مراتب آن از دسـترس بشـر عـادی دور است لکن به انـدازه علم ومعرفت و اسـتعدادهای اهـل معرفت و تحقیق در رشـته هـای مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمـدی -صـلی الله علیه و آله و سـلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسـفه و برهان بابررسـی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشـمه جوشـان هـدی للمتقین هـدایت یـافته انـد، برای عاشـقان سوخته هـدایت الله به ارمغـان آورنـد. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشـمندان معظم به بعـدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشـقان قرآن رابرآورنـد و در ابعـاد سیاسـی ، اجتمـاعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلـح قرآن وقت صـرف فرماینـد تـا معلوم شود این کتـاب سرچشـمه همه چیز است ؛ از عرفـان و فلسـفه تاادب و سـیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسـفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سـیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیـاست و حکومت و اداره کشور چه کـار دارد که این کار سـلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسـلام دین صـلح و سـازش است و حتی از جنـگ و جـدال با سـتمکاران بری است . و به سـر قرآن آن آورنـد که کلیسای جاهل و سیاسـتمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشـگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزیـد و قرآن کریم را ازشـرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسـلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بـادرفته خود در راه اشـتباه و جهـالت تـاسف دارم . و شـما ای فرزنـدان برومنـد اسـلام ! حوزه ها ودانشـگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهمانند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فروبسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) — وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف–وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب–وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج–وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د–وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم(مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانیکه

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

چشم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

چشم

آثار اجتناب از چشم چرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۹

۹ - پرهیز از نظر دوختن به نامحرمان و اجتناب از آلودگی به فحشا و فساد جنسی ، زمینه ساز طهارت ، پاکی ، رشد و بالندگی است .

قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم و یحفظوا فروجهم ذلك أزکی لهم

<زکاه> (مصدر <أزکی>) هم به معنای <نمو و رشد> و هم به معنای <طهارت و پاکی> است.

آثار چشم چرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۷

۷ - خیره شدن به نامحرمان و چشم چرانی ، زمینه ساز آلودگی به فحشا و فساد جنسی است .

قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم و یحفظوا فروجهم

در آیه شریفه حکم حرمت چشم چرانی و نگاه به نامحرمان، بر حکم عفت گزینی و اجتناب از فحشا، مقدم داشته شده است و این تقدم ذکری، می تواند حکایت از تقدم رتبی و ارتباط میان این دو حکم داشته باشد; به این معنا که پرهیز از چشم چرانی، زمینه عفت گزینی و اجتناب از آلودگی جنسی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۷

۷ – خیره شدن به نامحرمان و چشم چرانی ، زمینه ساز آلودگی به فحشا و فساد جنسی است .

قل للمؤمنت . .. یحفظن فروجهنّ

آگاهی چشم از عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۰ – ۴

۴ – آگاهی گوش ، چشم و پوست آدمی ، از اعمال و رفتار او

شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم بما کانوا یعملون

گفتنی است که گواهی دادن فرع بر آن است که گواهی دهنده به آنچه گواهی می دهد آگاه باشد.

استفاده از چشم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۶ – ۷

۷- بهره نگرفتن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لاتقف . .. إن السمع ... کان عنه مسئولاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکتهای غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

پرسش از چشم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۶ – ۹،۱۱

۹- چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاًـ سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها سؤالی نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

۱۱- < عن الحسن بن هارون قال : قال لی أبوعبدالله (ع) : < إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً > قال :

يسأل السمع عمّا سمع و البصر عمّا نظر إليه و الفؤاد عمّا عقد عليه ;

حسن بن خارون گويد: امام صادق(ع) به من فرمود:[مراد از آيه]<إن السمع و البصر و الفؤاد كلّ أُولئك كان عنه مسئولاً> [اين است كه] گوش از آنچه شنيده و چشم از آنچه ديده و قلب از آنچه كه اعتقاد پيدا كرده است، سؤال مى شود>.

تاثير روان در چشم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۸

۸ - ممكن است كه حركت چشم هاى انسان ، از حالت درونى او تأثير بپذيرد .

فإذا جاء الخوف . .. تدور أعينهم

تنوع ادراك چشم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - دريافت هاى ادراكى انسان ، از طريق گوش ، تنها به يك كيفيت است ، ولى از طريق چشم و قلب ، متنوع است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

مفرد آورده شدن <سمع> و جمع آورده شدن <أبصار> و <أفئده> شايد به خاطر اين واقعيت خارجى باشد كه انسان از طريق گوش، تنها صدا را مى شنود در حالى كه از طريق چشم، رنگ ها، جسم ها، سكون و حركت و. .. و نيز از طريق قلب، دريافت هاى گوناگونى دارد.

جادوى چشم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ ساحران پس از رخصت دهى موسى (ع) آنچه را براى جادوگرى تدارك ديده بودند ، در مقابل تماشاگران ر ها كردند و چشم هاى آنان را سحر

کردند .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

جذابیت چشم زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۴

۴ - زیبایی و جذابیت چشم ، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

چرخش چشم منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۳

۳ - منافقان مدینه ، به هنگام خبردار شدن از وقوع جنگ احزاب ، به قدری می ترسیدند که چشمان شان بی اختیار ، به چرخش می افتاد .

فإذا جاء الخوف رأیتهم ینظرون إلیک تدور أعینهم کالذی یغشی علیه من الموت

مراد از <الخوف> به قرینه بحث جهاد و هجوم دشمن، خبر جنگ و قتال است که برای منافقان بسیار ترس آور بود.

چشم پوشی از توطئه اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۶

۱۶ - ضرورت نادیده انگاشتن توطئه های اهل کتاب و پرهیز از درگیری با آنان ، حکمی موقت بود .

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّه بأمره

چشم پوشی از توطئه دشمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۹ – ۲۰

۲۰ – نادیده گرفتن توطئه دشمنان و گذشت کردن از آزار های ایشان ، مرحله ی تاکتیکی در مبارزه با آنان است .

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّه بأمره

چشم پوشی محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۳ – ۴

۴ – پیامبر (ص) ، تنها قسمتی از ماجرای افشا شدن رازش را ، به همسر

افشاگر خود فهماند و از بخشی دیگر چشم پوشید .

عرّف بعضه و أعرض عن بعض

چشم جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۵۸

۵ جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک (قلب ، چشم و گوش) هستند .

لهم قلوب لایفقهون بها و لهم أعین لایبصرون بها و لهم ءاذان لایسمعون بها

۸ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم برخورداری از چشمهایی بینا و گوشهایی شنوا ، خویشتن را از دیدن و شنیدن آیات الهی محروم می سازند .

و لهم أعین لایبصرون بها و لهم ءاذان لایسمعون بها

چشم روشنی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۲

۲ - چشم شب زنده داران و انفاق کنندگان در راه خدا ، به پاداش های وصف ناپذیر الهی ، روشن است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع . .. فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین

<قرّه> احتمال دارد از <قَرّ> به معنای <قرار گرفتن> باشد که کنایه از رضایت و چشم ندوختن به چیزی دیگر است و احتمال دارد از <قرّ> به معنای <سردی> باشد که کنایه از خوشحالی و چشم روشنی است. برداشت بالا براساس احتمال دوم است.

چشم روشنی متهجدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۲

۲ – چشم شب زنده داران و انفاق کنندگان در راه خدا ، به پاداش های وصف ناپذیر الهی ، روشن است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع . .. فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم

من قرّه أعین

<قرّه> احتمال دارد از <قَرّ> به معنای <قرار گرفتن> باشد که کنایه از رضایت و چشم ندوختن به چیزی دیگر است و احتمال دارد از <قرّ> به معنای <سردی> باشد که کنایه از خوشحالی و چشم روشنی است. برداشت بالا براساس احتمال دوم است.

چشم روشنی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۵

۵ - پیشکش باغ های بهشت به مؤمنان نیک کردار ، پاداشی فوق تصور و روشنی بخش دیده آنان است .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین . .. فلهم جنّت المأوی نزلاً

جمله <فلهم جنّات المأوی. ..> می تواند تأکیدی بر <ما أُخفی لهم...> و نیز نمادی از آنچه در خفا، برای مؤمنان در نظر گرفته شده، باشد.

چشم زخم به برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۹

۹ یعقوب (ع) نگران از چشم زخم و حسادت بر فرزندان خویش در صورت ورود جملگی آنان به مصر از یک دروازه آن

لاتدخلوا من باب وحد . .. و ما أُغنی عنکم من الله من شیء

آیه شریفه در این باره که یعقوب(ع) چه خطری را برای فرزندان خویش و یا برای بنیامین احساس می کرده، بیانی ندارد. بسیاری از مفسران گفته اند از اینکه یعقوب(ع) از آنان خواسته متفرق شوند و از دربهای متعدد وارد گردند، می توان حدس زد که وی از خطر چشم زخم و مانند آن هراسان بوده است.

حجاب چشم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸

۱- بارزترین ویژگی کافران ، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

مراد از دیـدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هسـتند (گفتن مسبّب و اراده سـبب) و مفاد آیه، این است که مشاهـده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششـی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

حرمت چشم چرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۲

۲ - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲

۲ - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

خالق چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

خیانت چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۸

۸ - < قال سألت أباعبداللّه (ع) ، عن قوله عزّوجلّ < یعلم خائنه الأعین > فقال : ألم تَرَ إلی الرجل ینظر إلی الشیء و کأنّه لاینظر إلیه فذلک خائنه الأعین ;

[راوی] می گوید: از امام صادق(ع) از آیه <یعلم خائنه الأعین> سؤال نمودم، حضرت فرمود:

آیا ندیده ای که شخصی به چیزی به گونه ای [زیر چشمی]نگاه می کند که گویا به آن نگاه نمی کند و این همان خیانت چشم ها است>.

خیرگی چشم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۴

۴- خیرگی و بهت زدگی کافران هنگام برپایی قیامت

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

<شخوص> به معنای دوختن چشم به یک شیء، بدون تحرک است غالباً چنین حالتی برای افراد مبهوت پیش می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۶،۱۰

۶- خیره شدن چشمان ستمگران و مبهوت ماندن آنان از شدت ترس در روز قیامت

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

۱۰- قیامت ، روز خیره شدن چشم ها از شدت ترس و هولناکی آن

لیوم تشخص فیه الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱- ستمگران ، در قیامت ، شتابان و با ترس و ذلت سر برافراشته و چشم دوخته ، محشور خواهند شد .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون . .. مهطعین مقنعی رءوسهم

<اهطاع> به معنای حرکت سریع همراه با ترس است و <اقناع> به معنای سر برافراشتن و خیره شدن چشم به چیزی با حالت ذلت و خواری است (لسان العرب).

۲- ستمگران بر اثر وحشت روز قیامت ، از حرکت پلک های چشم ناتوان و دلشان تهی از تدبیر و چاره جویی خواهد بود .

يعمل الظلمون . .. لايرتدّ إليهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

-٣

شدت وحشت و اضطراب و بهت زدگی غیر قابل توصیف ستمگران در قیامت

یعمل الظلمون . .. مهطعین مقنعی رءوسهم لایرتدّ إلیهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۴

۴ - مجرمان در لحظه حضور در قیامت ، با نگرانی به فرجام خویش چشم دوخته و مات و حیرت زده خواهند بود .

و نحشر المجرمین یومئذ زرقًا

<زرقاً> حال برای <المجرمین> است و مفرد آن <أزرق> یا <زرقاء> به کسی گفته می شود که سفیدی چشم او سیاهی آن را بپوشاند (لسان العرب). این حالت نشانِ چشم دوختن و خیره شدن مجرمان است و از اضطراب شدید درونی آنان حکایت دارد. برخی گفته اند: سفید شدن چشم، ملازم با کوری آن است (لسان العرب).

خیرگی چشم ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱- ستمگران ، در قیامت ، شتابان و با ترس و ذلت سر برافراشته و چشم دوخته ، محشور خواهند شد .

و لاتحسبنّ الله غفلًا عمّا یعمل الظلمون . .. مهطعین مقنعی رءوسهم

<اهطاع> به معنای حرکت سریع همراه با ترس است و <اقناع> به معنای سر برافراشتن و خیره شدن چشم به چیزی با حالت ذلت و خواری است (لسان العرب).

۲- ستمگران بر اثر وحشت روز قیامت ، از حرکت پلک های چشم ناتوان و دلشان تهی از تدبیر و چاره جویی خواهد بود .

یعمل الظلمون . .. لایرتدّ إلیهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

۳- شدت وحشت و اضطراب و بهت زدگی غیر قابل توصیف ستمگران در قیامت

یعمل الظلمون . .. مهطعین

مقنعی رءوسهم لایرتدّ إلیهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

خیرگی چشم کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۴

۴- خیرگی و بهت زدگی کافران هنگام برپایی قیامت

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

<شخوص> به معنای دوختن چشم به یک شیء، بدون تحرک است غالباً چنین حالتی برای افراد مبهوت پیش می آید.

خیرگی چشم گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۲ – ۴

۴ – مجرمان در لحظه حضور در قیامت ، با نگرانی به فرجام خویش چشم دوخته و مات و حیرت زده خواهند بود .

و نحشر المجرمین یومئذ زرقًا

<زرقاً> حال برای <المجرمین> است و مفرد آن <أزرق> یا <زرقاء> به کسی گفته می شود که سفیدی چشم او سیاهی آن را بپوشاند (لسان العرب). این حالت نشانِ چشم دوختن و خیره شدن مجرمان است و از اضطراب شدید درونی آنان حکایت دارد. برخی گفته اند: سفید شدن چشم، ملازم با کوری آن است (لسان العرب).

درخواست چشم روشنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۴ – ۴،۲۲

۴ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار سرور و روشنی چشمان در پرتو اعطای همسر و فرزند به آنان هستند .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

۲۲ جمله < و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزواجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إماماً > متن دعای همیشگی بندگان

خالص خدا

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا

قرّه أعين و اجعلنا للمتّقين إم

آمدن آيه شريفه در قالب جمله اسميه و نيز فعل مضارع <يقولون> حاكى از استمرار و هميشگى بودن آن دعا است.

ذكر نعمت چشم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۴

۴ - توجّه به خدادادى بودن نعمت بينايى ، مايه يقين به پنهان نبودن چيزى از خداوند است .

أيحسب أن لم يره أحد . ألم نجعل له عينين

مطرح كردن نعمت بينايى در پى سرزنش كسانى كه به آگاهى خداوند توجه ندارند نوعى استدلال بر علم خداوند است. به اين بيان كه انسان بايد خداوند را آگاه تر از خود بداند; زيرا او ابزار اين آگاهى را در اختيار وى قرار داده است.

زمينه چشم روشنى مريم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۲۶ - ۳

۳- سخن گفتن عيسى (ع) با مادر خود و تأمين آب و غذا به صورت خارق العاده ، زمينه هاى مسّرت و چشم روشنى مريم (س) و رفع نگرانى او از آينده بود .

فناديها . .. فكلى و اشربى و قرّى عينًا

<عيناً> تميز و بيانگر مراد جدى از فاعل است و <قرّى> از ماده <قرار> (آرام گرفتن) و يا <قُرّ> (سرد شدن) است. در صورت اول جمله <قرّى عيناً>، يعنى <چشم آرميده باش> و در صورت دوم، يعنى <خنك چشم باش> (چشمت از اشك سوزان به دور باشد) و در هر صورت، كنايه از خوش دلى و شادمانى است كه چشم از نگرانى و اضطراب باز مى ايستد و از سوزش اشك

اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله <قرّی عیناً> با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

زیبایی چشم زن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۸ – ۶

۶ – علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۲ – ۵

۵ – علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۲ – ۴

۴ – زیبایی و جذابیت چشم ، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

عوامل چرخش چشم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۹ – ۳،۸

۳ – منافقـان مـدینه ، به هنگـام خبردار شـدن از وقوع جنـگ احزاب ، به قـدری می ترسـیدند که چشـمان شـان بی اختیـار ، به چرخش می افتاد .

فإذا جاء الخوف رأیتهم ینظرون إلیک تدور أعینهم کالذی یغشی علیه من الموت

مراد از <الخوف> به قرینه بحث جهاد و هجوم دشمن، خبر جنگ و قتال است که

برای منافقان بسیار ترس آور بود.

۸ - ممکن است که حرکت چشم های انسان ، از حالت درونی او تأثیر بپذیرد .

فإذا جاء الخوف . .. تدور أعینهم

عوامل چشم روشنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۴

۴- فرزنددار شدن ، مایه روشنایی چشم و قرار دل مادر است .

و قرّی عینًا

جمله <قرّی عیناً> می تواند مستقل از جملات قبل باشد; در این صورت به قرینه سیاق با اصل پیدایش فرزند، مرتبط خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱،۲،۳،۵

۱ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوك آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

درباره <من> در <من أزواجنا. ..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد>. ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ همسران شایسته ، مایه سرور و روشنی چشمان یکدیگر

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا . .. قرّه أعین

۳ فرزندان صالح ، مایه سرور و روشنی چشمان پدران و مادران

و الذين يقولون ربّنا هب لنا من . ..

ذرّيّتنا قرّه أعين

۵ همسر و فرزند ، مایه سرور و روشنی چشمان انسان است .

و الذين يقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّيّتنا قرّه أعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۸

۸ - حضور کودک در کنار مادر ، مایه سرور و روشنی دیدگان و فراق او ، موجب اندوه و نگرانی مادر

فرددنه إلى أُمّه كى تقرّ عينها و لاتحزن

عوامل چشم روشنی والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۵

۵ - فرزند ، مایه روشنی چشم والدین و سرور و شادمانی آنان

و قالت امرأت فرعون قرّت عين لی و لك

عوامل حجاب چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۵

۵ - آدمی ، خود ایجاد کننده حجاب شنیدن و دیدن ، بر چشم و گوش خویش است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

ایجاد <غشاوه> بر چشم و گوش - به خلاف مسدود کردن قلبها - به خداوند نسبت داده نشده است. از این مقابله چنین بر می آید که کافران، خود ایجاد کننده <غشاوه> بر گوش و چشم خویش هستند.

عوامل خیرگی چشم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۰ – ۷

۷ – ترس زیاد ، باعث می شود که چشم ، از کارکرد عادی خارج شود و تیره شده و خیره گردد .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر

غفلت از نعمت چشم

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۲

۲ - بی توجّهی به نعمت بینایی و غفلت از وابستگی آن به خداوند ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل له عینین

استفهام در <ألم نجعل . ..>، برای تعجب و گرفتن اقرار است.

فواید چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۳

۳ - قلب (دل و اندیشه) ، گوش و چشم از ابزار شناخت

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۶

۶- قوای شنوایی و بینایی و قلب ، ابزار شناخت است .

و لاتقف . .. إن السمع و البصر و الفؤاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۷

۷ - شنوایی و بینایی از جمله ابزار فهم و دریافت هدایت است .

و ما أنت بهد العمی . .. إن تسمع إلاّ من یؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۴

۴ – بینایی ، از ابزار شناخت و هدایت است .

و لو نشاء لطمسنا على أعينهم . .. فأنّى يبصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۰ – ۸

۸ – گوش و چشم ، از ابزار شناخت حق

أفأنت تسمع الصمّ أو تهدى العمى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۶ – ۱۱

۱۱– ابزار حسی چشم و گوش ،

وسیله رهیافت حقایق به محدوده ادراک بشر *

جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده فما أغنی عنهم سمعهم و لا أبصرهم و لا أفئدتهم

تقدم لفظی <سمع> و <بصر> بر <أفئده> ممکن است بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

قصاص چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم . .. و العین بالعین و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

کیفر چشم چرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۵

۱۵ - کسانی که از نگاه کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنین یغضّوا . .. إنّ اللّه خبیر بما یصنعون

جمله <إنّ اللّه خبیر بما یصنعون> که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند هشداری است به کسانی که احکام یادشده را رعایت نکنند.

گواهی اخروی چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۸

۸- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد

شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۰ - ۳

۳ - گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و یوم یحشر أعداء اللّه . .. شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

لذایذ چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - لذت های چشم ، از برجسته ترین لذت های انسان است . *

و تلذّ الأعین

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <تلذّ الأعین> از باب ذکر خاص پس از عام بوده و برای بیان اهمیت لذت های چشم آورده شده باشد.

محدوده دید چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۳ - ۱

۱ رؤیت خداوند با چشم ممکن نیست.

لا تدرکه الأبصر

<ابصار> می تواند جمع <بصر> به معنی <چشم> باشد. لذا <ادراک البصر> یعنی دیدن و به چشم آمدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۹

۹ انسان ها ، حتی پیامبران ناتوان از دیدن خداوند با چشمان خویش

قال لن ترنی

مسخ چشم مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۱

۱ وارونه ساختن دل و دیده برخی مشرکان عنود سنت خداوندی است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم کما لم یؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۱

مسؤول چشم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۶ – ۳

۳– انسان ، در قبال فعالیت چشم ، گوش و قلب خویش ، در پیشگاه خداوند مسؤول است .

إن السمع و البصر و الفؤاد كلّ أُولئك كان عنه مسئولاً

نعمت چشم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۱۶

۱۶ – قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی انـد و شایسـته است که به خاطر آنها ، به درگاه وی شکرگزاری شود .

ثمّ سوّیه و نفخ فیه من روحه و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۸ – ۱

۱ – دو چشم انسان ، عطای خداوند و نعمتی بزرگ است .

ألم نجعل له عینین

نقش چشم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۸ – ۵

۵– قلب ، چشم و گوش ، از ابزار شناخت

طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصرهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۷

۷- نمود حالت ترس و وحشت انسان در دیدگان وی در قیامت

فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۶

۶ قوای ادراکی (چشم و گوش و قلب انسان) از نشانه های خداوند است .

اللّه الذی أحسن . .. و بدأ خلق الإنسن ... و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۳ – ۱۵

۱۵ – گوش ، چشم و قلب از مهم ترین ابزار شناخت و ادراک در انسان

و أضلّه اللّه علی علم وختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشوه

چشم چرانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

چشم چرانی

آثار اجتناب از چشم چرانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۰ – ۹

۹ – پرهیز از نظر دوختن به نامحرمان و اجتناب از آلودگی به فحشا و فساد جنسی ، زمینه ساز طهارت ، پاکی ، رشد و بالندگی است .

قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم و یحفظوا فروجهم ذلك أزکی لهم

<زکاه> (مصدر <أزکی>) هم به معنای <نمو و رشد> و هم به معنای <طهارت و پاکی> است.

آثار چشم چرانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۰ – ۷

۷ – خیره شدن به نامحرمان و چشم چرانی ، زمینه ساز آلودگی به فحشا و فساد جنسی است .

قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم و یحفظوا فروجهم

در آیه شریفه حکم حرمت چشم چرانی و نگاه به نامحرمان، بر حکم عفت گزینی و اجتناب از فحشا، مقدم داشته شده است و این تقدم ذکری، می تواند حکایت از تقدم رتبی و ارتباط میان این دو حکم داشته باشد; به این معنا که پرهیز از چشم چرانی، زمینه عفت گزینی و اجتناب از آلودگی جنسی خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۷

۷ – خیره شدن به نامحرمان و چشم چرانی ، زمینه ساز

آلودگی به فحشا و فساد جنسی است .

قل للمؤمنت . .. یحفظن فروجهنّ

حرمت چشم چرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۲

۲ - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲

۲ - نظر دوختن به نامحرمان و چشم چرانی ، حرام است .

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

کیفر چشم چرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۵

۱۵ - کسانی که از نگاه کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنین یغضّوا . .. إنّ اللّه خبیر بما یصنعون

جمله <إنّ اللّه خبیر بما یصنعون> که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند هشداری است به کسانی که احکام یادشده را رعایت نکنند.

چشم روشنی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

چشم روشنی

چشم روشنی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۲

۲ - چشم شب زنده داران و انفاق کنندگان در راه خدا ، به پاداش های وصف ناپذیر الهی ، روشن است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع . .. فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین

<قرّه> احتمال دارد از <قَرّ> به معنای <قرار گرفتن> باشد که کنایه از رضایت و چشم ندوختن به چیزی دیگر است و احتمال دارد از <قرّ> به معنای <سردی> باشد که کنایه از خوشحالی و چشم روشنی است.

برداشت بالا براساس احتمال دوم است.

چشم روشنی متهجدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۲

۲ - چشم شب زنده داران و انفاق کنندگان در راه خدا ، به پاداش های وصف ناپذیر الهی ، روشن است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع . .. فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین

<قرّه> احتمال دارد از <قَرّ> به معنای <قرار گرفتن> باشد که کنایه از رضایت و چشم ندوختن به چیزی دیگر است و احتمال دارد از <قرّ> به معنای <سردی> باشد که کنایه از خوشحالی و چشم روشنی است. برداشت بالا براساس احتمال دوم است.

چشم روشنی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۵

۵ - پیشکش باغ های بهشت به مؤمنان نیک کردار ، پاداشی فوق تصور و روشنی بخش دیده آنان است .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین . .. فلهم جنّت المأوی نزلاً

جمله <فلهم جنّات المأوی. ..> می تواند تأکیدی بر <ما أُخفی لهم...> و نیز نمادی از آنچه در خفا، برای مؤمنان در نظر گرفته شده، باشد.

درخواست چشم روشنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۴،۲۲

۴ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار سرور و روشنی چشمان در پرتو اعطای همسر و فرزند به آنان هستند .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

۲۲ جمله < و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزواجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إماماً >

متن دعای همیشگی بندگان خالص خدا

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إم

آمدن آیه شریفه در قالب جمله اسمیه و نیز فعل مضارع <یقولون> حاکی از استمرار و همیشگی بودن آن دعا است.

زمینه چشم روشنی مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۳

۳- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده ، زمینه های مسّرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود .

فنادیها . .. فکلی و اشربی و قرّی عینًا

<عیناً> تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و <قرّی> از ماده <قرار> (آرام گرفتن) و یا <قُرّ> (سرد شدن) است. در صورت اول جمله <قرّی عیناً>، یعنی <چشم آرمیده باش> و در صورت دوم، یعنی <خنک چشم باش> (چشمت از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله <قرّی عیناً> با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

عوامل چشم روشنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۴

۴- فرزنددار شدن ، مایه روشنایی چشم و قرار دل مادر است .

و قرّی عینًا

جمله <قرّی عیناً> می تواند مستقل از جملات قبل باشد; در این صورت به قرینه سیاق با اصل پیدایش فرزند، مرتبط خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱،۲،۳،۵

۱ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

درباره <من> در <من أزواجنا. ..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد>. ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ همسران شایسته ، مایه سرور و روشنی چشمان یکدیگر

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا . .. قرّه أعین

۳ فرزندان صالح ، مایه سرور و روشنی چشمان پدران و مادران

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من . .. ذرّیّتنا قرّه أعین

۵ همسر و فرزند ، مایه سرور و روشنی چشمان انسان است .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۸

۸ - حضور کودک در کنار مادر ، مایه سرور و روشنی دیدگان و فراق او ، موجب اندوه و نگرانی مادر

فرددنه إلی أُمّه کی تقرّ عینها و لاتحزن

عوامل چشم روشنی والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۹

۵ -

۵ - فرزند ، مایه روشنی چشم والدین و سرور و شادمانی آنان

و قالت امرأت فرعون قرّت عین لی و لک

چشمه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

چشمه

آثار روانی جوشش چشمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۶ - ۳

۳ - تأثیر چشمه های جوشان ، در طراوت و شادابی انسان ها

فیهما عینان نضّاختان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد برشمردن نعمت های روح بخش و طراوت آفرین بهشتی است.

برتری چشمه تسنیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۷ - ۲

۲ - چشمه < تسنیم > ، دارای شربتی برتر از باده های بهشتی است .

و مزاجه من تسنیم

آیه شریفه، در مقام مدح شراب بهشتی از امتزاج آن با نوشیدنی چشمه <تسنیم> سخن گفته و این امتزاج را از مزیت های باده بهشتی قرار داده است. بنابراین شربت تسنیم، لذیذتر و ارجمندتر از شراب بهشتی است.

تنوع چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۵ – ۳

۳- بهشت متقین ، دارای باغ های مختلف و چشمه های گوناگون

إن المتقین فی جنّت و عیون

جاودانگی چشمه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۲ – ۱

۱ – بهشت برین ، دارای چشمه ای با عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

<عین> نکره است و دلالت بر آن دارد که عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شناخت. توصیف آن با کلمه

<جاریه> یا <تجری>، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

جوشش چشمه کافور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۶ - ۵

۵ - چشمه کافور ، در اختیار ابرار قرار دارد و هر جا آنان بخواهند ، می جوشد و روان می شود .

یفجّرونها تفجیرًا

جوشش چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۶ - ۱

۱ - وجود چشمه های همیشه جوشان در باغ های بهشت

فیهما عینان نضّاختان

<نضّاختان> وصف برای <عینان> است; یعنی، دو چشمه ای که دارای جوشش و فوران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۲

۲ - وجود چشمه های جوشان در باغ های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان نضّاختان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

چشمه آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۱۳

۱۳- < عن أبی جعفر (ع) : ضرب عیسی (ع) برجله فظهرت عین ماء تجری ;

از امام باقر(ع) روایت شده: عیسی(ع) (هنگام ولادت) پای خود را بر زمین زد، پس چشمه آب روانی ظاهر شد>.

چشمه بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۴ - ۲

۲ - نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و أکواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات

پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

چشمه تسنیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۷ - ۱،۳

۱ - باده های بهشتی نیکوکاران ، با شربتی از چشمه < تسنیم > آمیخته است .

و مزاجه من تسنیم

به هر یک از عناصر مخلوط شده با چیز دیگر، <مزاج> گفته می شود. <تسنیم> نام چشمه ای است که مقرّبان در بهشت از آن می نوشند. ممکن است این نام، از ماده <سنم> که به معنای علوّ و ارتفاع است مشتق باشد و بر ارزش والای آن چشمه دلالت کند.

۳ - < عن أبی جعفر (ع) . . . عن النبیّ (ص) قال : قوله تعالی < و مزاجه من تسنیم > قال : هو أشرف شراب فی الجنّه یشربه محمّد (ص) و آل محمّد (ص) ، . . . تَسْنَمْ علیهم من اعالی دُورِهم ;

امام باقر(ع) از پیامبر(ص) روایت کرده که فرمود: [درباره] قول خدای تعالی <و مزاجه من تسنیم>. تسنیم بهترین نوشابه ای است که در بهشت هست و آن را محمد و آل محمد(ص) می نوشند ... و از[منطقه]بالای منزل هایشان بر آنان جریان پیدا می کند>.

چشمه جوشان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۱،۴

۱ - کسانی که در قیامت حضوری ذلّت آمیز دارند ، به نوشیدن از چشمه ای جوشان وادار خواهند شد .

تسقی من عین ءانیه

فعل <تسقی> مجهول و بیانگر این است که آشامیدن از سوی فرد یا افرادی، بر دوزخیان تحمیل

خواهد شد <أنی> (ریشه <آنیه>) در چندین معنا از جمله <رسیدن به چیزی> استعمال شده است (مقاییس اللغه) و به قرینه سیاق آیه که نوشیدنی اهل دوزخ را بیان می کند مراد رسیدن چشمه، به نقطه نهایی حرارت است.

۴ - وجود چشمه جوشان در جهنم

تصلی نارًا حامیه . تسقی من عین ءانیه

چشمه سلسبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - وجود چشمه سلسبیل در بهشت ابرار

زنجبیلاً . عینًا فیها تسمّی سلسبیلاً

۲ - شراب ابرار در بهشت ، آمیخته با آب چشمه سلسبیل

زنجبیلاً . عینًا فیها تسمّی سلسبیلاً

<عیناً> بدل برای <زنجبیلاً> در آیه پیش است.

چشمه سنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۶،۸،۱۰،۱۵

۶ - در پی فرود آمدن عصای موسی بر سنگ ، دوازده چشمه آب از آن جوشش کرد .

فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً

۸ - هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از طوایف بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

<مشرب> به آب آشامیدنی و نیز به جایگاهی که از آن آب بر می دارند گفته می شود و مقصود از آن در آیه، چشمه های جوشیده از سنگ است.

۱۰ – هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، خود دارای علامتی مشخص کننده اختصاص آن به طایفه ای از بنی اسرائیل

قد علم کل أناس مشربهم

چنانچه خود چشـمه ها علامت نـداشت و پس از جوشـیدن علامت گـذاری می شـد تا اختصاص هر چشـمه به طایفه ها معلوم شود، شایسته آن بود که به

جای <قد علم کل أناس مشربهم> (هر طایفه ای چشمه خود را می شناخت) گفته شود: <علّم . ..> (تعلیم داده شد ...).

۱۵ - داستان استسقای موسی (ع) و جوشیدن چشمه های آب از سنگ ، داستانی آموزنده و خاطره ای شایسته و بایسته به یاد داشتن

و إذاستسقی موسی لقومه . .. قد علم کل أناس مشربهم

عبارت <إذاستسقی> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <أذکروا إذاستسقی موسی لقومه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۲،۱۳،۱۴

۱۲ جوشش دوازده چشمه آب از سنگ در پی فرود آمدن عصای موسی بر آن

أن اضرب بعصاک الحجر فانبجست منه اثنتا عشره عینا

<انبجاس> مصدر <انبجست> به معنای جوشیدن و فوران زدن است.

۱۳ هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از دوازده طایفه بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

<أناس> جمع إنس (مردم) است و مراد از آن طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل می باشد. <مشرب> به آب آشامیدنی و یا جایگاهی که از آن آب برمی دارند گفته می شود و مقصود از آن چشمه هایی است که از سنگ جوشید.

۱۴ هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، دارای علامتی مشخص کننده اختصاص آن به طایفه ای از بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

چشمه کافور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۶ - ۱،۲

۱ - وجود چشمه کافور در بهشت ابرار

کافورًا . عینًا یشرب بها عباد اللّه

<عیناً>، بدل برای <کافوراً> در آیه پیش است.

۲ -

آب چشمه کافور ، نوشیدنی ابرار

عینًا یشرب بها عباد اللّه

چشمه گِل آلود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۶ – ۲،۳

۲– ذوالقرنین ، با رسیدن به انت های خشکی های غرب ، آبی گل آلود و تیره رنگ را فراروی خویش دید .

حتّی إذا بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب فی عین حمئه

<حمئه> یعنی دارای <حمأه> به <گل سیاه بدبو> گفته می شود. (کتاب العین)

۳– غروب خورشید در نقطه پایانی سفر ذوالقرنین به جانب مغرب ، چونان فرو رفتن آن در چشمه ای تیره فام بود .

وجدها تغرب فی عین حمئه

از جمله معانی <عین> چشمه است و به قرینه <وجدها> (آن را چنان یافت که) مراد آیه آن نیست که خورشید، در چشمه ای دارای گل سیاه فرو می رفت، بلکه منظره غروب خورشید را ذوالقرنین آنگونه مشاهده کرد.

چشمه های آب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۰ – ۲۸

۲۸ قوم موسی ناسپاس در برابر نعمت های عطا شده به آنان (جوشیدن چشمه های آب برای آنان و . . .)

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و ما ظلمونا و لکن . .. > در ارتباط با تمامی قسمتهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، ایراد شده باشد.

چشمه های اسباط بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از دوازده طایفه بنی

اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

<أناس> جمع إنس (مردم) است و مراد از آن طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل می باشد. <مشرب> به آب آشامیدنی و یا جایگاهی که از آن آب برمی دارند گفته می شود و مقصود از آن چشمه هایی است که از سنگ جوشید.

۱۴ هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، دارای علامتی مشخص کننده اختصاص آن به طایفه ای از بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

۱۵ هر کدام از طوایف بنی اسرائیل به چشمه مخصوص خویش آگاه بودند .

قد علم کل أناس مشربهم

چشمه های بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۶،۸،۹،۱۰،۱۳،۱۵

۶ - در پی فرود آمدن عصای موسی بر سنگ ، دوازده چشمه آب از آن جوشش کرد .

فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً

۸ - هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از طوایف بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

<مشرب> به آب آشامیدنی و نیز به جایگاهی که از آن آب بر می دارند گفته می شود و مقصود از آن در آیه، چشمه های جوشیده از سنگ است.

۹ - هر کدام از طایفه های بنی اسرائیل آگاه به چشمه مخصوص خویش

قد علم کل أناس مشربهم

۱۰ - هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، خود دارای علامتی مشخص کننده اختصاص آن به طایفه ای از بنی اسرائیل

قد علم کل أناس مشربهم

چنانچه خود چشمه ها علامت نداشت و پس از جوشیدن علامت گذاری می شد تا اختصاص هر چشمه به طایفه ها معلوم

شود، شایسته آن بود که به جای <قد علم کل أناس مشربهم> (هر طایفه ای چشمه خود را می شناخت) گفته شود: <علّم . ..> (تعلیم داده شد ...).

۱۳ - جوشش چشمه های متعدد از سنگ و ویژگی های مخصوص آنها ، از معجزات ارائه شده به قوم موسی

فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً قد علم کل أناس مشربهم

۱۵ - داستان استسقای موسی (ع) و جوشیدن چشمه های آب از سنگ ، داستانی آموزنده و خاطره ای شایسته و بایسته به یاد داشتن

و إذاستسقی موسی لقومه . .. قد علم کل أناس مشربهم

عبارت <إذاستسقی> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <أذکروا إذاستسقی موسی لقومه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

کذلک و أورثنها بنی إسرءیل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنّات> بازمی گردد; نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدّسه التی کتب اللّه لکم>، (مائده(۵) آیه ۲۱).

چشمه های بهشت

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹ – ۸

۸ بهشت ، دارای چشمه سار های روان در زیر پای بهشتیان

تجری من تحتهم الأنهر فی جنت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۵ – ۱

۱– جایگاه تقواپیشگان ، باغ ها و چشمه سار های بهشت است .

إن المتقین فی جنّت و عیون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۴ – ۴

۴ – بوستان های بهشت ، دارای چشمه سار های روان از زیر درختان

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۳ – ۵

۵ – بوستان های بهشت ، دارای چشمه سارهایی روان از زیر درختان

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۲ – ۱

۱– بوستان ها و چشمه ساران بهشت ، جایگاه امن تقواپیشگان

إنّ المتّقین فی مقام أمین . فی جنّت و عیون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۵ – ۲

۲ – بهشت ، دارای باغ های پوشیده از درختان و چشمه ساران متعدد

فی جنّت و عیون

<جنّت> (مفرد <جنّات>) به باغ پوشیده از درختان گفته می شود و <عیون> (جمع <عین>) به معنای چشمه ساران است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۰ – ۱،۳

۱ – دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو چشمه همیشه جاری

و لمن خاف . .. جنّتان

... فيهما عينان تجريان

۳ - چشمه های همیشه جاری ، از نعمت های لذت آفرین و دلخواه بهشت

فيهما عينان تجريان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۱،۴

۱ - چشمه های جاری در بهشت خائفان ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فيهما عينان تجريان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

۴ - وجود چشمه های همیشه جاری در بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فيهما عينان تجريان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۱

۱ - چشمه های جوشان و فوران کننده بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فيهما عينان نضّاختان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۱ - ۳

۳ - اصحاب الیمین ، شاد و سرخوش در کنار چشمه های همواره ریزان بهشت

و ماء مسكوب

عبارت <و ماء مسکوب> به تقدیر <هم فی ماء مسکوب> است; یعنی، ایشان در کنار آب های همیشه ریزان به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۶ – ۱

۱ – وجود چشمه کافور در بهشت ابرار

کافورًا . عینًا یشرب بها عباد اللّه

<عیناً>، بدل برای <کافوراً> در آیه پیش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۸ – ۱

۱ – وجود چشمه سلسبیل در بهشت ابرار

زنجبیلاً . عینًا فیها تسمّی سلسبیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶

- ۲۱ - ۱۰

۱۰ - < عن أبی عبـدالله (ع) قال : قال رسول الله (ص) : . . . إذا انتهی إلی باب الجنّه . . . فیـدخل فإذا هو بشـجره ذات ظلّ ممـدود . . . یخرج من ساقها عینان تجریان فینطلق إلی إحدیها فیغتسل منها . . . ثمّ یشـرب من الاُخری فلایکن فی بطنه مغص و لامرض و لاداء أبداً و ذلک قوله تعالی < و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً > . . . ;

امام صادق(ع) از رسول خـدا(ص) روایت کرده که فرمود: هرگاه [بنـده خدا] به در بهشت برسد. .. وارد آن می شود، آن گاه بـا درختی روبه رو می شود که دارای سایه ای گسترده است ... از ساق آن دو چشـمه جاری می شود آن گاه به سوی یکی از آن دو می رود و از آن غسل می کند ... سـپس از چشـمه دیگر می نوشد، پس از آن برای همیشه در شکم او هیچ درد، مرض و بیماری نمی باشد و این است سخن خدای تعالی: <و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۱ - ۱،۲

۱ - جایگاه تقواپیشگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إنّ المتّقین فی ظلل و عیون

۲ - بهشت ، داری سایه هایی از درختان انبوه و چشمه سارها

فی ظلل و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۱

۱ - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها

، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون . .. کلوا و اشربوا هنیًا ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - نوشیدنی بهشتیان ، از چشمه ای همیشه جاری تأمین می گردد .

تسقی من عین ءانیه . .. فیها عین جاریه

این آیه، در مقابل آیه ای است که از نوشاندن مایعات چشمه سوزان به جهنمیان، سخن گفته بود. بنابراین در این آیه نیز، ذکر چشمه جاری تنها به منظور بیان زیبایی آن نبوده; بلکه توصیف نوشیدنی بهشتیان نیز مراد است.

۳ - چشمه های جاری در بهشت ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه . .. فیها عین جاریه

کلمه <عین> اسم جنس نکره و قابل تطبیق بر یک یا چند چشمه می باشد. آیاتی که بهشت را به داشتن چشمه هایی متعدد توصیف کرده است، می تواند قرینه بر اراده تعدد در این آیه نیز باشد. ارتباط این آیه با <ناعمه> در آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

چشمه های داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۱،۲،۳

۱ - حرکت مجرمان دوزخی ، در مداری بسته میان جهنم و چشمه های سوزان آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

۲ - وجود چشمه هایی بسیار داغ و سوزان در دوزخ

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

<حمیم> به آب داغ گفته می شود و <آنی> چیزی است که حرارت آن به نهایت رسیده باشد.

۳ – امکان خروج دوزخیان از جهنم ، تا

چشمه های جوشان ; و نه فراتر از آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

در صورتی که چشمه های آب داغ در نقطه ای خارج از جهنم باشد، واژه <یطوفون> می رساند که آنان، قادر به انتخاب مسیر و راه دیگری نیستند. از این رو حرکتشان در مداری بسته است.

چشمه های سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۴

۴ - دیار فرعونیان ، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّت و عیون

چشمه های فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۵ - ۱

۱- برجای ماندن باغ ها و چشمه های فراوان ، از فرعونیان غرق شده در دریا

کم ترکوا من جنّت و عیون

چشمه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۷ - ۱

۱ - ثمودیان ، برخوردار از چشمه ساران و باغستان های پوشیده از درختان میوه

فی جنّت و عیون

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به معنای باغ پوشیده از درختان و <عین> (مفرد <عیون>) به معنای چشمه سار است.

چشمه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۴ - ۱

۱ - عادیان ، برخوردار از چشمه ساران ، و باغ های پوشیده از درختان میوه

و جنّت و عیون

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به باغ پوشیده از درختان اطلاق می شود و <عیون> (جمع <عین>)به معنای چشمه ساران است.

چشمه های مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۵ -

۲- سرزمین فرعونیان (مصر) ، حاصلخیز و دارای بوستان ها و چشمه ساران

کم ترکوا من جنّت و عیون

درخواست چشمه آب از محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۰ – ۱،۲

۱- ایجاد چشمه ای پر آب و جوشان در مکه توسط پیامبر (ص) برای مشرکان ، پیش شرط آنان در ایمان به پیامبر (ص)

و قالوا لن نؤمن لک حتی تفجر لنا من الأرض ینبوعًا

۲- ایجاد چشمه ای جوشان برای مشرکان مکه ، معجزه درخواستی (اقتراحی) آنان از پیامبر (ص)

و قالوا لن نؤمن لک حتی تفجر لنا من الأرض ینبوعًا

دوازده چشمه بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۰ – ۱۲،۱۳،۱۴

۱۲ جوشش دوازده چشمه آب از سنگ در پی فرود آمدن عصای موسی بر آن

أن اضرب بعصاک الحجر فانبجست منه اثنتا عشره عینا

<انبجاس> مصدر <انبجست> به معنای جوشیدن و فوران زدن است.

۱۳ هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از دوازده طایفه بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

<أناس> جمع إنس (مردم) است و مراد از آن طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل می باشد. <مشرب> به آب آشامیدنی و یا جایگاهی که از آن آب برمی دارند گفته می شود و مقصود از آن چشمه هایی است که از سنگ جوشید.

۱۴ هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، دارای علامتی مشخص کننده اختصاص آن به طایفه ای از بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

رنگ چشمه قصه ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۶ – ۲

۲– ذوالقرنین ، با رسیدن به انت های خشکی های غرب ، آبی گل آلود و تیره رنگ را فراروی خویش دید .

حتّی إذا بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب فی عین حمئه

<حمئه> یعنی دارای <حمأه> به <گل سیاه بدبو> گفته می شود. (کتاب العین)

زیبایی جوشش چشمه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۶ – ۲

۲ – زیبایی فزاینده مناظر بهشت ، با فوران آب چشمه ها

فیهما عینان نضّاختان

عظمت چشمه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۲ – ۱

۱ – بهشت برین ، دارای چشمه ای با عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

<عین> نکره است و دلالـت بر آن دارد که عظمت چشـمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شـناخت. توصـیف آن بـا کلمه <جاریه> یا <تجری>، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

فلسفه خلقت چشمه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۲

۲ - خداوند ، چشمه ساران را به منظور بهره بردن انسان ها از آثار و فواید آنها آفریده است .

و فجّرنا فیها من العیون . لیأکلوا من ثمره

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که ضمیر در <ثمره> به <تفجیر>; یعنی، مصدر <فجّرنا> بازگردد. گفتنی است براساس این احتمال، معنای <ثمر> میوه نیست; بلکه به معنای آثار و فواید است; چنان که به فایده و سود حاصل

از تجارت، ثمره تجارت گفته می شود.

فواید چشمه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳۵ – ۲،۳

۲ – خداوند ، چشمه ساران را به منظور بهره بردن انسان ها از آثار و فواید آنها آفریده است .

و فجّرنا فیها من العیون . لیأکلوا من ثمره

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که ضمیر در <ثمره> به <تفجیر>; یعنی، مصدر <فجّرنا> بازگردد. گفتنی است براساس این احتمال، معنای <ثمر> میوه نیست; بلکه به معنای آثار و فواید است; چنان که به فایده و سود حاصل از تجارت، ثمره تجارت گفته می شود.

۳ – روان شدن چشمه ها ، از عوامل پیدایش باغ ها و به ثمر نشستن درختان نخل ، انگور و . . . است .

و جعلنا فیها جنّت . .. و فجّرنا فیها من العیون . لیأکلوا من ثمره

جمله <لیأکلوا من ثمره> متعلق به <جعلنا> است و قرار گرفتن آن پس از جمله <فجّرنا فیها من العیون>، می تواند حاکی از این نکته باشد که روان شدن چشمه ها، نقش اساسی در به ثمر نشستن باغ ها و درختان نخل و انگور دارد.

معجزه چشمه سنگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۰ – ۱۳

۱۳ – جوشش چشمه های متعدد از سنگ و ویژگی های مخصوص آنها ، از معجزات ارائه شده به قوم موسی

فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً قد علم کل أناس مشربهم

منشأ پیدایش چشمه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳۵ – ۶

– انسان ، در پیدایش و روان ساختن چشمه ها ، هیچ نقشی نداشته و این کار تنها با قدرت خدا انجام گرفته است .

و فجّرنا فیها من العیون . لیأکلوا من ثمره و ما عملته أیدیهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <و ما عملته أیدیهم> در موضع حال باشد و <ما> در <ما عملته> نافیه و ضمیر آن به تفجیر بازگردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۱ – ۳،۱۳

۳ – باران ، منشأ پیدایش چشمه سار ها در زمین

أنزل من السماء ماء فسلکه ینبیع فی الأرض

<ینبوع> (مفرد <ینابیع>) به معنای مکان جوشش آب (چشمه) است.

۱۳ – طبیعت (جریان نزول باران ، پیدایش چشمه سار ها ، رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها) ، از جلوه های قدرت و ربوبیت خداوند است .

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. ثمّ یجعله حطمًا إنّ فی ذلک لذکری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۲ – ۲

۲ – آمادگی زمین ، برای رویش گیاهان و پیدایش چشمه ساران

و الأرض ذات الصدع

چنانچه <ذات الرجع> در آیه قبل به باران نظر داشته باشد; <ذات الصدع> در این آیه به نتایج باران در زمین اشاره خواهد داشت.

منشأ جوشش چشمه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۱۲ – ۱

۱ – انفجار و جوشش چشمه های زمین به اراده الهی ، برای انتقام گرفتن از قوم نوح

و فجّرنا الأرض عیونًا

منشأ چشمه

کافور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۶ – ۸

۸ – < عن الصادق (ع) جعفربن محمدعن أبیه (ع) فی قوله عزّوجلّ . . . < عیناً یشرب بها عباد اللّه یفجّرونها تفجیراً > قال : هی عین فی دار النبیّ (ص) یفجر إلی دور الأنبیاء و المؤمنین . . . ;

از امام صادق(ع) از پدرش (امام باقر(ع)) درباره سخن خداوند عزّوجلّ . .. <عیناً بشرب بها عباد اللّه یفجّرونها تفجیراً> روایت شده که فرمود: این چشمه ای است که اصل آن در خانه پیامبر(ص) است و از آن جا بهوسیله نهرها به خانه های سایر پیامبران و مؤمنان جاری می شود>.

منشأ چشمه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳۴ – ۴

۴ – خداوند ، چشمه سارانی را در زمین روان ساخته است .

و فجّرنا فیها من العیون

نعمت چشمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۳۴ – ۴

۴ – باغستان های پوشیده از درخت و چشمه سار های روان در میان آنها ، نمودی از نعمت بخشی و امداد الهی به بشر

أمدّکم . .. و جنّت و عیون

نعمت چشمه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳۴ – ۶

۶ - چشمه ها ، از نعمت های الهی برای بشر

و فجّرنا فيها من العيون

نقش چشمه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۵

۵

- روان شدن چشمه ها ، از نشانه های قدرت خداوند است .

و فجّرنا فیها من العیون

ویژگی چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۲ - ۱

۱ - بهشت برین ، دارای چشمه ای با عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

<عین> نکره است و دلالت بر آن دارد که عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شناخت. توصیف آن با کلمه <جاریه> یا <تجری>، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

ویژگیهای چشمه تسنیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۷ - ۲

۲ - چشمه < تسنیم > ، دارای شربتی برتر از باده های بهشتی است .

و مزاجه من تسنیم

آیه شریفه، در مقام مدح شراب بهشتی از امتزاج آن با نوشیدنی چشمه <تسنیم> سخن گفته و این امتزاج را از مزیت های باده بهشتی قرار داده است. بنابراین شربت تسنیم، لذیذتر و ارجمندتر از شراب بهشتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۸ - ۱،۳

۱ - چشمه < تسنیم > سیراب کننده مقرّبان درگاه خداوند است .

عینًا یشرب بها المقرّبون

<عیناً> حال برای <تسنیم> است و <باء> در <بها> که برای استعانت می باشد قرینه است بر این که در فعل <یشرب>

علاوه بر نوشیدن، معنای <سیراب شدن> نیز تضمین شده است. برخی آن را به معنای <من> گرفته و تضمین معنای سیراب شدن را ضروری نمی دانند.

۳ – آشامیدنی مقرّبان درگاه الهی ، تنها از چشمه تسنیم و خالص و ناب خواهد

بود .

تسنیم . عینًا یشرب بها المقرّبون

در جمله <یشرب بها المقرّبون>، سخنی از امتزاج به میان نیامده است; با آن که درباره <رحیق> ابرار گفته شده: <مزاجه من تسنیم>. بنابراین نوشیدنی مقربان، با چیزهای دیگر آمیخته نخواهد بود.

چله نشینی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

چله نشینی

آثار چله نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۶

۶ - عبادت و مناجات چهل شبه و به دور از مردم ، دارای اثری خاص

و إذ وعدنا موسی أربعین لیله

چله نشینی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۳،۱۷

۳ - مدت زمان عبادت و مناجات ویژه موسی (ع) ، چهل شب تعیین شد .

و إذ وعدنا موسی أربعین لیله

۱۷ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و إذ واعدنا موسی أربعین لیله > قال کان فی العلم و التقدیر ثلثین لیله ثم بداللّه فزاد عشراً فتمّ میقات ربه للأول و الآخر أربعین لیله ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند که فرموده <و واعدنا موسی أربعین لیله> روایت شده که در علم و تقدیر الهی این بود که سی شب باشد; سپس برای خدا بدا حاصل شد و ده روز اضافه گردید پس میقات موسی (ع) در وعده اول و آخر چهل شب شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۲ – ۳،۴

۳ موسی (ع) علاوه بر گذراندن سی شب برای عبادت و مناجات ، موظف به ادامه آن تا ده شب دیگر شد .

و أتممنها بعشر

فتم میقت ربه أربعین لیله

<میقات> به معنای زمانی است که برای انجام کاری تعیین گردد. <میقات ربه> یعنی زمانی را که خدا برای انجام عبادت و مناجات موسی تعیین کرد.

۴ مناجات خاص موسی با خداوند با گذشتن چهل شب ، در دو مرحله سی شبه و ده شبه ، کامل شد و به حد مطلوب رسید .

فتم میقت ربه أربعین لیله

فعل <تمَّ> متضمن معنای <بلغ> می باشد و بدین لحاظ <اربعین> مفعولٌ به برای آن است ; یعنی: <فتم میقات ربه بالغاً أربعین لیله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۱

۱۱ تصفیه موسی (ع) با مناجات چهل شبه ، مقدمه ای برای دریافت تورات بود .

یموسی إنی اصطفیتک . .. فخذ ما ءاتیتک

چون خداوند در پایان داستان مواعده خویش با موسی(ع) و مناجات چهل شبه وی، اعطای پیامهای خویش را، که همان تورات باشد، مطرح ساخته، معلوم می شود آن مواعده و مناجات به سبب اعطای تورات بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱

۱ موسی (ع) پس از مناجات چهل شبه خویش با خدا ، به سوی قومش بازگشت .

و لما جاء موسی لمیقتنا . .. و لما رجع موسی إلی قومه

مکان چله نشینی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۴

۱۴ خداوند از موسی (ع) خواست تا مناجات و عبادت ویژه او در مکانی به دور از بنی اسرائیل باشد .

وعدنا موسی . .. اخلفنی فی قومی

از اینکه موسی برای آمدن به میقات، هارون را به جانشینی خویش معرفی کرد، معلوم می شود وی در مدت میقات در میان بنی اسرائیل نبوده و از آنان فاصله داشته است.

چوب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

چوب

تشبیه به چوب خشک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۶

۶ - منافقان ، به رغم ظاهر فریبنده و سخنان زیبایشان ، چونان چوب های تکیه شده بر دیوار ، خشک و بی روح اند .

کأنّهم خشب مسنّده

تعقل در چوب آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۱ - ۳

۳ - دعوت از کافران و منکران معاد به مطالعه در چوب آتش زنه ، برای پی بردن به قدرت خداوند و توانایی او بر احیای مردگان

أفرءیتم النار التی تورون

با توجه به این که روی سخن در این آیات با منکران معاد است، توجه دادن به مسأله کیفیت افروختن آتش و روشن کردن آن با عمل ساییدن، گویای برداشت یاد شده است.

چوب آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۱ - ۲

۲ – بیرون آمدن آتش از چوب آتش زنه ، نشانه ای از قدرت الهی است .

أفرءیتم النار التی تورون

روی سخن در این آیات، با منکران معاد است. دعوت شدن کافران به مطالعه در بهره گیری از چوب آتش زنه برای روشن کردن آتش، ارائه یکی از نمودهای قدرت الهی است تا آنان از این راه پی ببرند کسی که از چوب آتش را بیرون می

آورد، می تواند مردگان را نیز زنده کرده و از قبرها بیرون آورد.

چوب آتش زا در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۱ - ۱

۱ - استفاده مردم صدراسلام ، از نوعی چوب با خاصیت سنگ چخماق ، برای روشن کردن آتش

أفرءیتم النار التی تورون

مردم در گذشته، برای روشن کردن آتش از سنگ چخماق و یا از چوب آتش زنه استفاده می کردند استفاده از چوب آتش زنه، به این ترتیب بود که دو چوب را که یکی بالا ـ و دیگری پایین قرار می گرفت به هم می ساییدند تا آتش از آن بیرون بیاید. چوب بالایی را <زند> و چوب پایینی را <زنده> می گفتند. <ایراء> (مصدر <تورون>) به همین عمل گفته می شود.

چوب جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصیّهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عِصّی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

خلقت چوب آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۳

۳ - آفرینش چوب آتش زنه ، نشانه ای از توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها و برپایی قیامت

ءأنتم أنشأتم شجرتها أم نحن المنشون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۴ – ۲

۲ – آفرینش انسان از منی ، بر آوردن دانه ها از دل خاک و رشد و

نموّ دادن آن ، فرو فرستادن باران از آسمان و ایجاد درخت آتش زنه برای بیابان گردان ; بیانگر مبرّا بودن ساحت او از نقص و کاستی

أفرءیتم ما تمنون . .. فسبّح باسم ربّک العظیم

تفریع <فسبّح> بر مطالب آیات پیشین، نشانگر مطلب یاد شده است.

چوپانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

چوپانی

تاریخ چوپانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۵

۵ - وجود دامداری و شغل چوپانی در عصر داوود (ع)

له تسع و تسعون نعجه

چوپانی دختران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۶،۷،۱۴

۶ - جلب توجه موسی (ع) به دو زن تنها که به جای آب دادن به گوسفندانشان ، آنها را از نزدیک شدن به آب باز می داشتند .

و وجد من دونهم امرأتین تذودان

<ذود> (مصدر <تذودان>) به معنای دور کردن است; یعنی، آن دو زن گوسفندانشان را دور می کردند و نمی گذاشتند که به آب نزدیک شوند. گفتنی است، که دو زن چنان که از عبارت های بعد استفاده می شود دختران شعیب بودند.

۷ - پرسش موسی (ع) از دختران شعیب درباره انگیزه آنان از منع کردن گوسفندانشان از آب

قال ما خطبکما

<خطب> معادل <شأن> است; یعنی، <ما الذی حملکما علی الذود; چه چیزی شما را بر این کار وا می دارد؟>

۱۴ - دختران شعیب ، برای آب دادن دام های خود ، در انتظار پایان یافتن آب دهی چوپانان و بازگشتن آنان بودند .

قالتا لانسقی حتّی یصدر الرعاء

<إصدار> (مصدر <یصدر>) به معنای بازگرداندن و <رعاء> (جمع <راعی>) به

معنای چوپانان است. مفعول <یصدر> حذف شده است; یعنی، <حتّی یصدر الرعاء أنعامهم>.

چوپانی در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۵

۵ - وجود دامداری و شغل چوپانی در عصر داوود (ع)

له تسع و تسعون نعجه

چوپانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۸ - ۵

۵ - حضرت موسی (ع) در راه مدین به مصر ، دارای گوسفندانی بود که خود ، آنها را شبانی می کرد .

أهشّ بها علی غنمی

<غنم> یعنی، گوسفندان. این کلمه از لفظ خود، مفرد ندارد و به یک گوسفند <شاه> گفته می شود (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۷

۷ - موسی (ع) ، از دیدگاه دختر شعیب ، بهترین و شایسته ترین مرد برای نگه داری دام هایشان

قالت إحدیهما . .. إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۴

۴ - شعیب (ع) ، خواستار حداقل هشت سال و حداکثر ده سال کار (شبانی گوسفندان) ، از موسی در قبال ازدواج با یکی از دخترانش بود .

قال إنّی أَرید أن أَنکحک . .. علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندک

<حجج> جمع <حجه> است و مراد از آن <سنین> می باشد; یعنی، <علی أن تأجرنی ثمانی سنین>.

چوپانی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۱ - ۱۲ - ۱۲

۱۱ < عن أبی جعفر (ع) : . . .فقالوا کما حکی الله عزوجل < . . . أرسله معنا غداً یرتع و یلعب > أی یرعی الغنم و یلعب ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: <...أرسله معنا غداً یرتع و یلعب> ; یعنی، او را با ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند>.

مکان چوپانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۸ - ۶

۶ - سرزمینی که موسی (ع) در آن دام داری و شبانی می کرد ، درختانی داشت که برگ آن برای تغذیه دام مناسب بود .

و أهشّ بها علی غنمی

چهارپایان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

چهارپایان

{چهارپایان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۷

۷ - بعضی از جانداران ، بر روی چهار پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی أربع

اجتناب از گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۶

۶ امساک بی بدیل از خوردن گوشت چهارپایان (زهد بیجا) پیروی از راه شیطان است.

و من الأنعم . .. كلوا ... و لا تتبعوا خطوت الشيطن

استفاده از چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۵،۶،۱۲

۵ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لكم بهيمه الانعم الا ما يتلى عليكم

<بهیمه> اسم است برای هر حیوان

چهارپای صحرایی و یا دریایی (مجمع البیان). و <انعام> به گاو و شتر و گوسفند گفته می شود. (مفردات راغب). و اضافه <بهیمه> به <انعام>، اضافه بیانیه است. قابل ذکر است که چون حلیت به خود بهیمه تعلق گرفته نه به خصوص خوردن از گوشت آنها، معلوم می شود علاوه بر استفاده خوراکی، سایر بهره برداریها نیز مورد نظر می باشد.

۶ حرمت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

۱۲ حلیت بهره برداری از چهارپایان ، مشروط به پرهیز از صید و حرام شمردن آن در حال احرام است . *

أحلت . .. غیر محلی الصید

بنابر اینکه <غیر محلی>، حال برای ضمیر در <لکم> باشد و با توجه به اینکه حال، عامل خود را مقید می کند ; بنابراین، حلیت چهارپایان حلال گوشت، در فرض پرهیز از صید و حرام شمردن آن در حال احرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

<ثمانیه أزواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمانیه أزواج>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۲،۵

۲- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم

۵-

قابلیت بهره برداری از فرآورده های دامی (گوشت ، لبنیات و . . .) برای تغذیه آدمی ، از مواهب و نعمت های الهی است .

و الأنعم خلقها لکم . .. و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۴

۴- جواز استفاده از حیوانات و دام ها جهت حمل بار و کالا

و تحمل أثقالکم إلی بلد لم تکونوا بلغیه إلاّ بشقّ الأنفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۷

۷ - امکان بهرهوری گسترده بشر از دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، نشانی دیگر از لطف و عنایت خدا و نظارت دقیق او بر احوال آفریده هایش

و ما کنّا عن الخلق غفلین . .. و إنّ لکم فی الأنعم لعبره ... و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۴

۴ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از <لام> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۱،۲،۴،۶

۱ - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را رام انسان و در خدمت او قرار داده است .

أنّا خلقنا لهم أنعمًا . .. و ذلّلنها

لهم

<تذلیل> (مصدر <ذلّلنا>) به معنای خوار کردن و به خضوع واداشتن چیزی است. و مقصود از آن در آیه شریفه، رام کردن و در اختیار قرار دادن انعام برای بشر است.

۲ - رام و مسخرّ کردن دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذلّلنها لهم

۴ - جواز استفاده از شتر و گاو برای سوار شدن و حمل و نقل

فمنها رکوبهم

۶ - بخش زیادی از اجزای بدن شتر ، گاو و گوسفند قابل خوردن است ; نه همه آنها .

و منها یأکلون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <من> در <منها> برای تبعیض و ناظر به بعضیت در اجزاء باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۱

۱ - شتر ، گاو و گوسفند علاوه بر خوردن و سوار شدن دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است .

فمنها رکوبهم و منها یأکلون . و لهم فیها منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۳

۳ - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

<أنعام> جمع <نَعَم> است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود; هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

انسان

و چهارپایان مفید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۲ – ۱

۱ وجود مرکب های راهوار و چهارپایان باربر در خدمت انسان برای طی مسافت های طولانی بیابان ها نشانه ربوبیت و پروردگاری خدا

هو الذی یسیرکم فی البر

روی سخن در این آیات با مشرکان و آن دسته از مردمان است که از ربوبیت خدا که در تار و پود جهان آفرینش جلوه گر است غافل و بی توجه هستند.

باربری با چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷ – ۴

۴- جواز استفاده از حیوانات و دام ها جهت حمل بار و کالا

و تحمل أثقالکم إلی بلد لم تکونوا بلغیه إلاّ بشقّ الأنفس

بارکشی از چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۲ – ۱

۱ خداوند، آفریننده برخی از چهارپایان برای بارکشی و برخی برای خوراک و پوشاک است.

و هو الذی أنشأ . .. و من الأنعم حموله و فرشا

<فرشا> در قبال <حموله> قرار گرفته که بیانگر گروه دیگری از چهارپایان است. یعنی حیواناتی که از پوست آنها می توان به عنوان فرش استفاده کرد یا به جهت کوچکی جثه و نزدیک بودن به زمین بدانها فرش اطلاق شده است.

بارکشی با چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۲ – ۴

۴ – جواز استفاده از شتر و گاو برای سوار شدن و حمل و نقل

فمنها رکوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ –

یس – ۳۶ – ۷۳ – ۱

۱ – شتر ، گاو و گوسفند علاوه بر خوردن و سوار شدن دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است .

فمنها رکوبهم و منها یأکلون . و لهم فیها منفع

برتری انسان بر چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۹ – ۱۴

۱۴ فهم حقایق و معارف دینی و حق بینی و حق شنوی ، ملاک انسانیت و برتری انسان بر چهارپایان است .

أولئک کالأنعم

پشم چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵ – ۳

۳– گرم شدن آدمی به وسیله پشم ، کرک و موی دام ها از جمله فواید آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم فیها دفءٌ

<دفیء> اسم برای وسیله و چیزی است که آدمی به وسیله آن گرم شده و از سرما محفوظ می ماند.

تحریم چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۹ – ۷

۷ شیطان ، برانگیزنده مردم به قطع کردن و شکافتن گوش چهارپایان برای حرام پنداشتن استفاده از آنها

و لامرنهم فلیبتکن ءاذن الأنعم

<یبتک> از مصدر <تبتیک> به معنای شکافتن و قطع کردن است. در میان مشرکان جاهلی رسم بوده که گوش دام را قطع

می کردند و یا می شکافتند تا نشانه حرمت گوشت او یا حرمت بارکشی از آن باشد.

تحریم چهارپایان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۴

۴ توبیخ خداوند نسبت به مشرکان عصر جاهلی به سبب

تحریم بی دلیل بعضی از چهارپایان و جنین آنها

قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین . .. نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

تشابه شیر چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۷

۷- سیستم تولید شیر شتر ، گاو و گوسفند و نیز کیفیت مواد غذایی آن ، مشابه هم است .

و إن لکم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبنًا خالصًا سائغ

ذکر حیوانات یاد شده با تعبیر مشترک <أنعام>، گویای نکته یاد شده است.

تشابه شیردهی چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۷

۷- سیستم تولید شیر شتر ، گاو و گوسفند و نیز کیفیت مواد غذایی آن ، مشابه هم است .

و إن لکم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبنًا خالصًا سائغ

ذکر حیوانات یاد شده با تعبیر مشترک <أنعام>، گویای نکته یاد شده است.

تشبیه به چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۶

۶ مردمان هواپرست را ، در حق نشنوی و بی خردی ، جز به چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) نمی توان تشبیه کرد .

إن هم إلّا کالأنعم

<أنعام> نامی است که شامل سه نوع حیوان می شود: شتر و گاو و گوسفند.

تعقل در خلقت چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۱ – ۲

۲ – تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت

(مانند شتر ، گاو و گوسفند)

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

تغذیه چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۴ – ۶

۶ – نظام زمین و تناسب آن برای حیات و تغذیه انسان ها و دام های آنان ، حاوی نشانه های فراوانی بر ربوبیت الهی است .

جعل لکم الأرض . .. کلوا ... فی ذلک لأیت

تنوع رنگ چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۸ – ۲

۲ – تنوع رنگ ها در انسان ها ، جنبندگان و دام ها ، از نعمت های الهی

و من الناس و الدّوابّ و الأنعم مختلف ألونه

چرای چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰ – ۴

۴- چرای دام ها از جمله فواید مرتع ها و گیاهان است .

و منه شجر فیه تسیمون

<تسیمون> (از اسامه) به معنای چرانیدن گوسفندان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۴ – ۱

۱ - تغذیه انسان و چریدن دام های او از گیاهان و روییدنی های زمین ، از هدف های خلقت نباتات

أزوجًا من نبات . .. کلوا و ارعوا أنعمکم

<رعی> به معنای چرانیـدن است. <ارعوا أنعامکم>; یعنی، دام های خود را به چرا ببریـد تا از نباتات رویانیـده شـده تغـذیه نمایند.

چرای چهارپایان در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۱،۳

۱- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان

در پایان روز ، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

۳- زیبایی و جمال دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه ، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست .

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می شوند و شامگاهان برمی گردند و ترتیب ذکری معمولاً ـ مناسب با ترتیب خارجی است; ولی در این جا ترتیب ذکری برخلاف ترتیب خارجی است و شاید نکته اش همان برداشت فوق باشد; خصوصاً که کلمه <حین> تکرار شده و آهنگ لفظ <تریحون> و <تسرحون> با آیات قبل و بعد سازگار است.

چرای چهارپایان در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۱،۳

۱- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز ، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

۳- زیبایی و جمال دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه ، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست .

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می شوند و شامگاهان برمی گردند و ترتیب ذکری معمولاً ـ مناسب با ترتیب خارجی است; ولی در این جا ترتیب ذکری برخلاف ترتیب خارجی است و شاید نکته اش همان برداشت فوق باشد; خصوصاً که کلمه <حین> تکرار شده و آهنگ لفظ <تریحون> و <تسرحون> با آیات

قبل و بعد سازگار است.

چهارپایان از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۲

۲ - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون . و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <و خلقنا لهم. ..> عطف بر جمله <حملنا ذرّیّتهم> می باشد و درصدد بیان نشانه های تدبیر و قدرت خداوند است.

چهارپایان حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲،۳

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . .. کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

۳ خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم . .. کلوا مما رزقکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

حرمت گوشت چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱ – ۶،۱۴

۶ حرمت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما

یتلی علیکم

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصید

حکمت خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۴

۴ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از <لام> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

حلیت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴

۴ حرام ها و حلال های الهی (همانند حلیت چهارپایان و حرمت صید در حال احرام) ، از شعایر الهی است . *

أحلت لکم بهیمه الانعم . .. لاتحلوا شعر اللّه

از مصادیق شعایر الهی، با توجه به آیه قبل، حلالها و حرامهای الهی است.

حلیت گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۵،۱۴

۵ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

<بهیمه> اسم است برای هر حیوان چهارپای صحرایی و یا دریایی (مجمع البیان). و <انعام> به گاو و شتر و گوسفند گفته می شود. (مفردات راغب). و اضافه <بهیمه>

به <انعام>، اضافه بیانیه است. قابل ذکر است که چون حلیت به خود بهیمه تعلق گرفته نه به خصوص خوردن از گوشت آنها، معلوم می شود علاوه بر استفاده خوراکی، سایر بهره برداریها نیز مورد نظر می باشد.

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحلّت لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>; یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>; گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام>در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لکم الأنعام> به تقدیر <أحلت لکم أکل لحوم الأنعام> می باشد; یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

خالق چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱

۱ خداوند، آفریننده برخی از چهارپایان برای بارکشی و برخی برای خوراک و پوشاک است.

و هو الذی أنشأ . ..

و من الأنعم حموله و فرشا

<فرشا> در قبال <حموله> قرار گرفته که بیانگر گروه دیگری از چهارپایان است. یعنی حیواناتی که از پوست آنها می توان به عنوان فرش استفاده کرد یا به جهت کوچکی جثه و نزدیک بودن به زمین بدانها فرش اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انعام (گاو ، شتر و گوسفند) است .

و الأنعم خلقها لکم

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود; زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۱

۱ - خداوند ، مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر آفریده است .

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أنّ اللّه . .. و من الناس و الدّوابّ و الأنعم

<أنعام> جمع <نَعَم> (شتر) می باشد; ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود; چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یس - ۳۶ - ۷۱ - ۱

۱ - شتر ، گاو و گوسفند ، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أوَلم يروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أيدينا أنعمًا

<أنعام> به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله <ممّا علمت أيدينا> کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۲

۲ - آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّه الذى جعل لكم الأنعم . .. و عليها و على الفلك تحملون . و يريكم ءايته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۹

۹ - آفرینش چهارپایان و جفت قرار دادن آنها ، در خدمت منافع آدمی

جعل لكم . .. و من الأنعم أزوجًا

خوردن گوشت چهارپایان در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها (گاو ، گوسفند و شتر) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای

اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده; ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

زکات چهارپایان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱،۲

۱ قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی از آن برای شریکان موهوم او (مانند بت، جن و . ..) از سنتهای مشرکان در عصر جاهلیت

و جعلو الله مما ذراً . .. فقالوا هذا لله

به قرینه آیه ۱۰۰ همین سوره (و جعلوالله شرکاء الجن)، از جمله عقاید موهوم مشرکان، شریک بودن جنیان با خداوند بوده است.

۲ سنت جاهلی مشرکان در قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی برای شریکان خیالی او، بی اساس و بر پایه گمان بوده است.

و جعلو الله مما ذراً . .. هذا لله بزعمهم

<زعم> به گمان و سخن بی اساس اطلاق می شود. (مصباح اللغه).

زمینه تغذیه چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۵

۵ - تنوع نباتات ، فراهم آورنده زمینه مناسب برای تغذیه انسان و انواع دام ها

نبات شتّی . کلوا وارعوا أنعمکم

زوجیت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۱ – ۹

۹ – آفرینش چهارپایان و جفت قرار دادن آنها ، در خدمت منافع

آدمی

جعل لکم . .. و من الأنعم أزوجًا

زیبایی بازگشت چهارپایان از چراگاه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶ – ۱،۳

۱- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز ، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

۳- زیبایی و جمال دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه ، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست .

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می شوند و شامگاهان برمی گردند و ترتیب ذکری معمولاً- مناسب با ترتیب خارجی است; ولی در این جا ترتیب ذکری برخلاف ترتیب خارجی است و شاید نکته اش همان برداشت فوق باشد; خصوصاً که کلمه <حین> تکرار شده و آهنگ لفظ <تریحون> و <تسرحون> با آیات قبل و بعد سازگار است.

زیبایی رفتن چهارپایان به چراگاه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶ – ۱،۳

۱- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز ، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

۳- زیبایی و جمال دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه ، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست .

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می شوند و شامگاهان برمی

گردنـد و ترتیب ذکری معمولاً ـ منـاسب بـا ترتیب خارجی است; ولی در این جا ترتیب ذکری برخلاف ترتیب خارجی است و شایـد نکته اش همان برداشت فوق باشد; خصوصاً که کلمه <حین> تکرار شده و آهنگ لفظ <تریحون> و <تسـرحون> با آیات قبل و بعد سازگار است.

عبرت از چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۱

۱ - وجود و کارایی دام ها (شتر ، گاو و گوسـفند) برای انسان ، آکنده از درس ها و عبرت هایی از تقدیر و تدبیر الهی است .

و إنّ لکم فی الأنعم لعبره

<أنعام>; یعنی، گله های شتر، گاو و گوسفند. <عبره> و <إعتبار> نیز به معنای پندگرفتن و اندرز یافتن است.

فلسفه تسخیر چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۲

۲ - رام و مسخرّ کردن دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذلّلنها لهم

فلسفه خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۲

۲- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷ – ۷،۸

۷- آفرینش دام ها ، در جهت منافع و بهرهوری انسان ، نشانه ای از رأفت و رحمت خداست .

و الأنعم خلقها لکم . .. و لکم فیها جمال

... و تحمل أثقالكم ... إن ربّكم لرءوف ر

۸- خداوند با آفرینش دام ها ، زمینه های آسایش و رفع مشقت های آدمیان را فراهم ساخته است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و تحمل أثقالكم ... إن ربّكم لرءوف رحيم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۰ – ۵

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتًا تستخفّونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۴ – ۲

۲ – شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

كلوا وارعوا أنعمكم

به شتر، گاو و گوسفند <أنعام> گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۱ – ۴

۴ – بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أوَلم يروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أيدينا أنعمًا

گفتنی است از <لام> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۲ – ۳،۵

۳ – خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و

حمل و نقل آفریده است .

فمنها رکوبهم

<من> در <فمنها> برای تبعیض است; یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

۵ - خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها یأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۸

۸ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه آفرینش دام ها (شتر ، گاو ، گوسفند و بز)

و أنزل لکم من الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۱،۴

۱ - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّه الذی جعل لکم الأنعم

لام در <لکم> برای تعلیل است; یعنی، به خاطر شما، <أنعام> (جمع <نَعَمْ>) در اصل به معنای شتر است; ولی گاهی برای مجموع <شتر، گاو و گوسفند> به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

۴ - خداوند ، برخی از دام ها (چون شتر) را برای سوار شدن و برخی دیگر (مانند گوسفند) را به منظور خوردن انسان ها آفریده است .

الأنعم لترکبوا منها و منها تأکلون

فواید پشم چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۹،۱۴

۹- پشم ، کرک و موی دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لکم من الأنعم . .. تستخفّونها ... أثثًا و

متعًا

از اینکه خداونـد پشم، کرک و موی دامهـا را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زنـدگی آفریـده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد; چون خداوند حکیم و داناست.

۱۴- بهره مندی انسان از کرک ، پشم و موی حیوانات ، محدود به زمان خاصی است . *

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا إلی حین

برای <إلی حین> چنـد احتمـال وجود دارد. یکی از آنهـا این است که اشـیای یـاد شـده، در مقاطع و دوره های خاصّی قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۱

۱ - دام ها ، غیر از سوار شـدن و خوردن ، دارای منافع و فواید گوناگون دیگری (اسـتفاده از شـیر ، پشم ، پوست و . . .) می باشند .

جعل لکم الأنعم لترکبوا . .. و لکم فیها منفع

فواید پوست چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسـفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سـرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا تستخفّونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم

۶- بهرهوری انسـان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسـفند) برای ساختن سـرپناه سـبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۱

۱ - دام ها ، غیر از سوار شدن و خوردن ، دارای منافع و فواید گوناگون دیگری (استفاده از شیر ، پشم ، پوست و . . .) می باشند .

جعل لکم الأنعم لترکبوا . .. و لکم فیها منفع

فواید چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱

۱ خداوند، آفریننده برخی از چهارپایان برای بارکشی و برخی برای خوراک و پوشاک است.

و هو الذی أنشأ . .. و من الأنعم حموله و فرشا

<فرشا> در قبال <حموله> قرار گرفته که بیانگر گروه دیگری از چهارپایان است. یعنی حیواناتی که از پوست آنها می توان به عنوان فرش استفاده کرد یا به جهت کوچکی جثه و نزدیک بودن به زمین بدانها فرش اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۳،۴،۵

۳- گرم شدن آدمی به وسیله پشم ، کرک و موی دام ها از جمله فواید آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم فیها دفءٌ

<دفیء> اسم برای وسیله و چیزی است که آدمی به وسیله آن گرم شده و از سرما محفوظ می ماند.

۴- دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، دارای فواید و منافع گوناگون برای انسان

و الأنعم خلقها لکم فیها دفءٌ و منفع

۵- قابلیت بهره برداری از فرآورده های دامی (گوشت ، لبنیات و . . .) برای تغذیه آدمی ، از مواهب و نعمت های الهی است .

و الأنعم خلقها لكم .

.. و منها تأكلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۱ – ۱۶

۱۶– نیاز به لباس ، نیازی دائمی برای انسان و تأمین آن از فراورده های حیوانی ، امری موقت است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا إلی حین . .. و جعل لکم سربیل تق

برداشت فوق، بر این احتمال است که قید <إلی حین> مربوط به محدودیت بهره مندی از پشم، کرک و مو باشد و از اینکه اشیای یاد شده مقید به زمانی محدود شده است، ولی <سرابیل> که ذکر عام بعد از خاص است چنین قیدی ندارد، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۱ – ۲،۴،۵

۲ – شیر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از منابع مهم تغذیه انسان

نسقیکم ممّا فی بطونها

۴ – دام ها ، تأمین کننده بخش عظیمی از نیازمندی های انسان

و لکم فیها منفع کثیره

۵ – گوشت دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۹ – ۷

۷ زندگی بشر ، مرهون حیات زمین (وجود گیاهان و نباتات) و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) است .

و أنزلنا . .. لنحیی به بلده میتًا و نسقیه ممّا خلقنا أنعمًا و أناسیّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که تقدم <بلده میتاً> و <أنعاماً>

بر <أناسیّ> از نوع تقدم علت بر معلول و سبب بر مسبب باشد. گفتنی است برخی از مفسران (مانند زمخشری در کتاب الکشاف) نکته یاد شده را یادآور شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۳

۳ - نقش سازنده دام ها برای حیات بشر

و من الناس و الدّوابّ و الأنعم مختلف ألونه

از اختصاص به ذکر یافتن دام ها با آن که جزء جنبندگان هستند برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۳

۳ - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) از سوی خداوند ، به سود بشر و از نعمت های او است .

و ءایه لهم . .. و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

گفتنی است که لام در <لهم> برای انتفاع است; یعنی، مرکب های مانند کشتی را به نفع انسان ها آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۳،۶

۳ - خداوند برخی از دام ها (چون شتر

و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها رکوبهم

<من> در <فمنها> برای تبعیض است; یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

۶ - بخش زیادی از اجزای بدن شتر ، گاو و گوسفند قابل خوردن است ; نه همه آنها .

و منها یأکلون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <من> در <منها> برای تبعیض و ناظر به بعضیت در اجزاء باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۱،۲،۳،۴

۱ - شتر ، گاو و گوسفند علاوه بر خوردن و سوار شدن دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است .

فمنها رکوبهم و منها یأکلون . و لهم فیها منفع

۲ - شتر ، گاو و گوسفند ، دارای نوشیدنی های بسیار برای انسان

و مشارب

۳ - اهمیت و نقش بسیار شیر شتر ، گاو و گوسفند و فراورده های آن ، در تغذیه انسان ها

و مشارب

برداشت یاد شده از آن جا است که شیر با آن که از منافع أنعام به شمار می رود اختصاص به ذکر یافته است.

۴ - شیر و منافع بسیار شتر ، گاو و گوسفند ، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است .

و لهم فیها منفع و مشارب أفلایشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۱

۱ - دام ها ، غیر از سوار شدن و خوردن ، دارای منافع و فواید گوناگون دیگری (استفاده از شیر ، پشم ، پوست و . .

.) می باشند .

جعل لکم الأنعم لترکبوا . .. و لکم فیها منفع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۲ – ۴

۴ – مرکب قرار گرفتن کشتی ها و دام ها ، از نعمت های الهی برای انسان است .

و جعل لکم من الفلک و الأنعم ما ترکبون

فواید شیر چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸۰ – ۱

۱ – دام ها ، غیر از سوار شدن و خوردن ، دارای منافع و فواید گوناگون دیگری (استفاده از شیر ، پشم ، پوست و . . .) می باشند .

جعل لکم الأنعم لترکبوا . .. و لکم فیها منفع

فواید کرک چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۰ – ۹،۱۴

۹– پشم ، کرک و موی دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لکم من الأنعم . .. تستخفّونها ... أثثًا و متعًا

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد; چون خداوند حکیم و داناست.

۱۴– بهره مندی انسان از کرک ، پشم و موی حیوانات ، محدود به زمان خاصی است . *

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا إلی حین

برای <إلی حین> چند احتمال وجود دارد. یکی از آنها این است که اشیای یاد شده، در مقاطع

و دوره های خاصّی قابل استفاده است.

فواید موی چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۹،۱۴

۹- پشم ، کرک و موی دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لکم من الأنعم . .. تستخفّونها ... أثثًا و متعًا

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد; چون خداوند حکیم و داناست.

۱۴- بهره مندی انسان از کرک ، پشم و موی حیوانات ، محدود به زمان خاصی است . *

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا إلی حین

برای <إلی حین> چند احتمال وجود دارد. یکی از آنها این است که اشیای یاد شده، در مقاطع و دوره های خاصّی قابل استفاده است.

کرک چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۳

۳- گرم شدن آدمی به وسیله پشم ، کرک و موی دام ها از جمله فواید آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم فیها دفءٌ

<دفیء> اسم برای وسیله و چیزی است که آدمی به وسیله آن گرم شده و از سرما محفوظ می ماند.

گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۵

۵- قابلیت بهره برداری از فرآورده های دامی (گوشت ، لبنیات و . . .) برای تغذیه آدمی ، از مواهب و نعمت های الهی

است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و منها تأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۵

۵ - گوشت دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، يكى ديگر از منابع تغذيه انسان

و منها تأكلون

لبنيات چهارپايان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۵

۵- قابليت بهره بردارى از فرآورده هاى دامى (گوشت ، لبنيات و . . .) براى تغذيه آدمى ، از مواهب و نعمت هاى الهى است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و منها تأكلون

مالكيت بر چهارپايان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۷۱ - ۷۸

۷ - مالكيت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، جلوه لطف خدا به انسان ها است .

أوَلم يروا . .. أنعمًا فهم لها ملكون

از آمدن جمله <فهم لها مالكون> (با فاء تفريع) مى توان برداشت بالا را استفاده كرد؛ زيرا خداوند علاوه بر آن كه انعام را براى بهره مندى انسان ها آفريده، مالكيت را نيز به انسان ها بخشيده است.

۸ - مشروعيت مالكيت انسان ها بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند)

أنعمًا فهم لها ملكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۳

۳ - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

<أنعام> (جمع <نَعَم>) به شتر، گاو و

گوسفند گفته می شود. کلمه <نَعَم> به شتر اختصاص دارد; زیرا بزرگ ترین نعمت نزد عرب است (مفردات راغب). اضافه شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۳

۳ - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

<أنعام> جمع <نَعَم> است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود; هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

مکذبان آیات خدا و چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۲،۱۳

۱۲ تکذیب کنندگان آیات الهی ، در محروم بودن از درک معارف الهی مانند چارپایانند .

أولئک کالأنعم

همسانی گمراهان تکذیب کننده آیات با چهارپایان و به اصطلاح <وجه شبه>، به دلیل جمله <لایفقهون بها و . .. > (محرومیت از درک معارف الهی) است.

۱۳ تکذیب کنندگان آیات الهی به دلیل بهره نگرفتن از ابزار شناخت معارف الهی از چارپایان بدترند .

بل هم أضل

حرف <بل> برای اضراب است که در این مورد به معنای انتقال از غرضی به غرض مهمتر می باشد. در نتیجه مفاد <بل> این است که اگر چه تکذیب کنندگان مانند چهارپایان از درک آیات الهی محرومند، ولی چون از ابزاری برای شناخت آیات الهی بهره مند بودند

که حیوانات فاقد آن هستند، باید آنان را از چهارپایان نیز فرومایه تر خواند.

منابع تغذیه چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۷ – ۲،۶۸

۲ – رویش گیاهان مختلف ، با کاربرد های گوناگون ، از آمیختن دو عنصر آب و خاک ، به منظور استفاده انسان ها و دام ها ، از آیات الهی است .

أوَلم یروا أنّا نسوق الماء إلی الأرض الجرز فنخرج به زرعًا تأکل منه أنعمهم و أنف

۶ – آب ، دارای نقش اساسی ، در حیات و تغذیه انسان ها و حیوان ها است .

و نسوق الماء إلی الأرض الجرز فنخرج به زرعًا تأکل منه أنعمهم و أنفسهم

۸ – نباتات ، منبع اصلی تغذیه انسان ها و حیوان ها است .

فنخرج به زرعًا تأکل منه أنعمهم و أنفسهم

منابع غذایی چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۴ – ۷

۷ گیاهان ، از منابع غذایی انسان ها و چهارپایان است .

فاختلط به نبات الأرض مما یأکل الناس و الأنعم

موی چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵ – ۳

۳– گرم شدن آدمی به وسیله پشم ، کرک و موی دام ها از جمله فواید آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم فیها دفءٌ

<دفیء> اسم برای وسیله و چیزی است که آدمی به وسیله آن گرم شده و از سرما محفوظ می ماند.

نعمت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۵

۵- قابلیت بهره برداری از

فرآورده های دامی (گوشت ، لبنیات و . . .) برای تغذیه آدمی ، از مواهب و نعمت های الهی است .

و الأنعم خلقها لکم . .. و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۳

۳ - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) از سوی خداوند ، به سود بشر و از نعمت های او است .

و ءایه لهم . .. و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

گفتنی است که لام در <لهم> برای انتفاع است; یعنی، مرکب های مانند کشتی را به نفع انسان ها آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۲

۲ - دام ها ، از نعمت های الهی برای بشر است .

اللّه الذی جعل لکم الأنعم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های الهی بر بشر و امتنان بر آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۴

۴ - مرکب قرار گرفتن

کشتی ها و دام ها ، از نعمت های الهی برای انسان است .

و جعل لکم من الفلک و الأنعم ما ترکبون

نعمت زوجیت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷ - آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لکم من الأنعم ثمنیه أزوج

<أنعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود; چنان که در این آیه چنین است. <أزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت شیر چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۴

۴ - شیر و منافع بسیار شتر ، گاو و گوسفند ، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است .

و لهم فیها منفع و مشارب أفلایشکرون

نقش چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۴

۴- چهارپایان برطرف کننده نیاز های مادی و روحی مردم جزیره العرب بوده اند .

و الأنعم خلقها لکم فیها دفءٌ و منفع و منها تأکلون . و لکم فیها جمال ... لترکبو

<دفءٌ>، <منافع>، <منها تأکلون> و <ترکبوها> بیانگر نیازهای مادی و <جمال> و <زینه> بیانگر نیازهای روحی و

روانی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۲

۱ - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را رام انسان و در خدمت او قرار داده است .

أنّا خلقنا لهم أنعمًا . .. و ذلّلنها لهم

<تذليل> (مصدر <ذلّلنا>) به معناى خوار كردن و به خضوع واداشتن چيزى است. و مقصود از آن در آيه شريفه، رام كردن و در اختيار قرار دادن انعام براى بشر است.

چهارشنبه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

چهارشنبه

روزه در چهارشنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۲۲

۲۲ - < عن أبى عبداللّه (ع) فى قول اللّه عزّوجلّ : < توبوا إلى اللّه توبه نصوحاً > قال : هو صوم < يوم الأربعاء > و < يوم الخميس > و < يوم الجمعه > ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداى عزّوجلّ <توبوا إلى اللّه توبه نصوحاً> روايت شده كه توبه نصوح، روزه گرفتن در روزهاى چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه است>. شايد مراد اين باشد كه روزه در اين ايّام، مانند توبه نصوح موجب آمرزش گناهان است و شايد مقصود اين باشد كه از شرايط توبه نصوح، روزه گرفتن در اين ايّام است.

فلسفه نحوست چهارشنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۷ - ۵

۵ - < عن أبى عبداللّه (ع) قال : الأربعاء يوم نحس مستمرّ لأنّه أوّل يوم و آخر يوم من الأيام التى قال اللّه تعالى : < سخّرها عليهم سبع ليال و ثمانيه أيّام حسوماً > ;

از امام صادق(ع) روايت شده كه فرمود: چهارشنبه روز شوم (تاريك) مستمرى است; چون اولين روز و

آخرین روز از روزهایی است که خداوند تعالی [در مورد قوم عاد] فرمود: <سخّرها علیهم سبع لیال و ثمانیه أیّام حسوماً>. گفتنی است که شروع عذاب بر قوم عاد از صبح چهارشنبه و پایان آن نیز غروب چهارشنبه هفته بعد به مدت هفت شب و هشت روز بود.

نحوست چهارشنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۹ - ۶

۶ - < [فی المجمع] و قیل : إنّه کان فی یوم الأربعا فی آخر الشهر . . . عن علی (ع) ;

در مجمع البیان آمده است: گفته شده که عذاب قوم عاد، در روز چهارشنبه در آخر ماه بوده است. .. و این مطلب از امام علی(ع) روایت شده است>.

چهل سالگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

چهل سالگی

اهمیت چهل سالگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۶

۱۶- غوطهوری در غفلت و هدایت نیافتن به ارزش ها ، با گذشت چهل سال از عمر انسان ، نکوهیده و توجیه ناپذیر است .

حتّی إذا بلغ أشدّه و بلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی

خداوند سن چهل سالگی را به عنوان مرحله کمال و توجه به نعمت ها و تلاش برای تزکیه معرفی کرده است. از این مطلب استفاده می شود که انسان، تا قبل از رسیدن به چهل سالگی به دلیل جوانی و خامی چه بسا گرفتار غفلت شود; ولی چون از چهل سالگی گذشت، دیگر مجالی برای توجیه نخواهد داشت.

نقش چهل سالگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ -

۱۵،۳۳

۱۵- تـوجه به نعمت هـای الهی و ارج نهـادن به زحمـات والـدین ، از نمود هـای رشـد عقلی و کمـال وجودی انسـان در چهل سالگی

حتّی إذا بلغ أشدّه و بلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی أن أشکر

خداوند، سن چهل سالگی را به عنوان زمینه و مقدمه توجه انسان به پروردگار و شکر نعمت ها و تقدیر از والدین دانسته است. این مطلب نشـانگر آن است که انسـان به طور طبیعی، در این سن به دلیـل کمـال وجودی و یا رشـد قوای عقلانی، به ارزش ها می اندیشد.

۳۳- سن چهل سالگی ، مقتضی گرایش انسان به توبه و تسلیم در برابر پروردگار

و بلغ أربعین سنه قال ربّ . .. إنّی تبت إلیک و إنّی من المسلمین

از این که خداونـد، در مرحله رسـیدن انسـان به چهـل سـالگی، مسـأله توبه و تسـلیم را مطرح سـاخته; اسـتفاده می شود که در رسیدن به این سن، خصوصیتی وجود دارد که انسان صالح با انگیزه فزون تری به سوی خداوند رو می آورد.

ویژگیهای چهل سالگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۴

۱۴- چهل سالگی ، مرحله ای ویژه در کمال و رشد انسان

حتّی إذا بلغ أشدّه و بلغ أربعین سنه

از این که <چهل سالگی> اختصاص به ذکر یافته است، نقش ویژه آن در رشد و کمال انسان استفاده می شود.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹